

رابطه شوخ طبعی و سبک‌های مقابله‌ای پدران با سطح سازش یافتگی فرزندان

ربابه قربانی^۱، علی حسینیایی*^۲، بهنوش الهی^۳

۱. کارشناسی ارشد روان‌شناسی شخصیت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزادشهر، دانشکده علوم انسانی، آزادشهر، ایران

۲. استادیار گروه روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزادشهر، آزادشهر، ایران

۳. کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی کودک و نوجوان، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی تهران، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۱/۰۴

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۲/۱۵

چکیده

زمینه و هدف: رابطه گرم و عاطفی والدین و مدیریت تنش در خانواده می‌تواند نقش مهمی در سازش یافتگی فرزندان داشته باشد. پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه شوخ طبعی و سبک‌های مقابله پدر با سازش یافتگی دانش آموزان انجام شد.

روش: طرح پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود و جامعه آماری شامل تمامی دانش آموزان مقطع ابتدایی شهرستان گالیکش در سال تحصیلی ۹۵-۹۶ بود. نمونه مورد مطالعه شامل ۲۵۰ دانش آموز (۱۲۲ پسر و ۱۲۸ دختر) بود که به شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب شدند. آزمودنی‌ها به پرسش‌نامه سبک‌های مقابله با (اندلر و پارکر، ۱۹۹۰)، پرسش‌نامه سازش یافتگی اجتماعی (پی‌کل و ویسمن، ۱۹۹۹)، و مقیاس شوخ طبعی (مارتین و لفقورت، ۱۹۸۳) پاسخ دادند. داده‌ها از طریق ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندمتغیره تحلیل شدند.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که شوخ طبعی با سازش یافتگی دانش آموزان رابطه مثبت دارد ($p < 0/05$). همچنین سبک مقابله‌ای مسئله‌مدار با سازش یافتگی، رابطه مثبت و سبک‌های مقابله‌ای اجتنابی و هیجان‌مدار با سازش یافتگی، رابطه منفی دارد ($p < 0/05$). بین شوخ طبعی با سبک مقابله‌ای مسئله‌مدار نیز رابطه مثبت، و بین شوخ طبعی با سبک‌های مقابله‌ای اجتنابی و هیجان‌مدار رابطه منفی وجود دارد ($p < 0/05$).

نتیجه‌گیری: با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان نتیجه گرفت که با افزایش سطح شوخ طبعی و سبک‌های مقابله‌ای مسئله‌مدار در پدران، سازش یافتگی فرزندان افزایش می‌یابد.

کلیدواژه‌ها: شوخ طبعی، سازش یافتگی، سبک‌های مقابله‌ای

*نویسنده مسئول: علی حسینیایی، استادیار گروه روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزادشهر، آزادشهر، ایران.

تلفن: ۰۱۷-۳۴۲۲۹۸۵۹

ایمیل: A.Hosseinaei@gmail.com

مقدمه

اجتماعی‌شدن یک فرآیند دوجانبه ارتباطی بین فرد و جامعه است. به همین دلیل فرآیندی پیچیده به شمار می‌آید که ابعاد گوناگونی دارد. کسب مهارت‌های اجتماعی، چگونگی برقراری ارتباط با سایر افراد و سازش‌یافتگی اجتماعی، از جمله این ابعاد هستند (۱). روان‌شناسان سازش‌یافتگی فرد را مجموعه‌ای از ویژگی‌های شخصیت بهنجار می‌دانند که افراد در برابر محیط از خود نشان می‌دهند و با جهان خویش سازش می‌یابند (۲). اسلبی و گوآرا (۳) سازش‌یافتگی اجتماعی را مترادف با مهارت اجتماعی می‌دانند. از نظر آنها مهارت اجتماعی عبارت است از توانایی ایجاد ارتباط متقابل با دیگران در زمینه خاص اجتماعی، به طریقی خاص که در عرف جامعه قابل قبول و ارزشمند باشد.

ایواتا و همکاران (۴) در مروری جامع عوامل مؤثر در سازش‌یافتگی اجتماعی را به شش دسته عمده تقسیم می‌کنند که هر یک از آنها نیز به عوامل جزئی‌تری تقسیم شده‌اند، این عوامل عبارت‌اند از: محرومیت‌های جسمانی ناشی از نقص عضو، تغذیه نادرست، محرومیت از خواب و خستگی روانی، فرآیندهای عاطفی آسیب‌زا، و آسیب‌های مغزی؛ عوامل روانی-اجتماعی-محیطی نظیر تغییرات سریع و مهم اجتماعی، ازهم‌پاشیدگی کانون خانواده، فقر، و اعتیاد؛ عوامل تربیتی نظیر الگوهای نادرست خانوادگی، فقدان رابطه والد-کودک، طرد کردن فرزندان، حمایت افراطی، محرومیت‌های عاطفی، خودمختاری بیش‌ازحد کودک، انتظارات و خواسته‌های غیرواقع‌گرایانه والدین و کمبود ارتباط، و ساختار خانوادگی سازش‌نا یافته؛ و عوامل ژنتیکی و ارثی نظیر اختلال‌های جسمی، روانی، و عاطفی که زمینه را برای رفتارهای بزهکارانه و سازش‌نا یافته‌ی اجتماعی فراهم می‌کنند.

با این حال، از جمله متغیرهایی که می‌تواند سازش‌یافتگی دانش‌آموزان را تحت تأثیر قرار دهد، می‌توان از شوخ‌طبعی

پدران نام برد. متون اخیر روان‌شناسی بر نقش شوخ‌طبعی در سازش‌یافتگی و مقابله^۱ با از یک‌سو و اثرات آن در افزایش بهبود کیفیت زندگی از سوی دیگر تأکید کرده‌اند (۵).

از سوی دیگر، به دلیل تغییر ساختار زندگی، در ۲۰ سال گذشته توجه پژوهشگران بیش از هر زمان دیگری، معطوف بر نقش پدران و بررسی اثر این تغییرات بر تحول کودکان شده است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که در کل، پدرها زمان کمتری را صرف تربیت فرزندان خود می‌کنند (۶). در سال‌های اخیر، درگیری پدر در فرآیند تحول کودک جنبه‌های مختلفی یافته است و پژوهشگران به دسترسی‌پذیری، مسئولیت‌پذیری، پاسخ‌دهی، صمیمیت، و توانایی خوش‌مشرب بودن پدر تأکید نموده‌اند (۷).

نخستین فرضیه‌های مربوط شوخ‌طبعی به کارهای فروید برمی‌گردد (۸). فروید شوخ‌طبعی را به‌عنوان موقعیتی تعریف می‌کند که به‌طور معمول احساس‌هایی را در فرد ایجاد می‌کند، اما حضور عناصر سرگرم‌کننده، دیدگاه جایگزینی را فراهم می‌آورد و به افراد کمک می‌کند تا از احساس‌های منفی اجتناب کنند. دیگر مبانی نظری شوخ‌طبعی در روان‌شناسی، شامل نظریه‌های عدم تجانس و نظریه برتری است. نظریه عدم تجانس، شوخ‌طبعی را ناشی از جفت‌های بی‌ارتباط و نامتناسب ایده‌ها یا وضعیت‌هایی می‌داند که از آداب معمول به وجود می‌آیند. این نظریه ریشه شوخ‌طبعی را در پیروزی بر دیگران می‌جوید (۹).

همچنین راجرز (۱۰) بر این باور است که شوخ‌طبعی، یک ویژگی است که توسط افراد کارآمد نشان داده می‌شود. فروید تأکید کرده است که رابطه متمایزی میان شوخ‌طبعی و سازش‌یافتگی سالم مراجعان وجود دارد (۱۱). مطالعات زیو (۱۲) و فرانزینی (۱۳) نیز نشان دادند که چگونه شوخ‌طبعی می‌تواند به‌عنوان کاهش‌دهنده اضطراب استفاده شود. در زمینه ارتباطی، شوخ‌طبعی به‌عنوان یک راهبرد مقابله‌ای مورد مطالعه قرار گرفته است (۱۴). شوخ‌طبعی می‌تواند به‌عنوان یک

1. Coping

مکانیسم دفاعی برای جلوگیری از تعارض استفاده شود و به افراد اجازه می‌دهد تا هنگامی که برای مقابله با حوادث دردناک آماده می‌شوند، ایمن بمانند (۱۵).

زیو (۱۲)، اشاره کرده است که بین شوخ طبعی و تنظیم پاسخ‌های کودکان به تهدیدهای محیطی همبستگی وجود دارد. آنها دریافته‌اند که شوخ طبعی، تجربه‌ای لذت بخش برای کودکان است و به آن‌ها اجازه می‌دهد که شوخ طبعی را به‌عنوان راهی بیابند تا ترس‌هایشان را با بزرگ‌ترها به اشتراک بگذارند. همچنین، بررسی‌ها نشان می‌دهد هنگامی که والدین و معلمان از شوخ طبعی به‌طور منظم، ساختارمند، و مناسب استفاده کنند، می‌توانند تحول اجتماعی و فکری را در دانش‌آموزان ابتدایی بهبود دهد و غنی سازد (۱۵).

در پژوهشی لوورن و همکاران (۱۶) به این نتایج دست یافتند که پدر و مادرانی که به علاقت، تحول اجتماعی، و موفقیت تحصیلی فرزندانشان علاقه دارند، می‌توانند کارهای بیشتری را با استفاده از طیف گسترده‌ای از روش‌های خلاقانه شوخ طبعی مانند چیستان‌ها، لطیفه‌ها، گفتگوهای نه‌چندان جدی، و بازی‌ها انجام دهند که به ایجاد ارتباط‌های ارزشمند و افزایش یادگیری در کودکان می‌انجامد (۱۶).

از دیگر متغیرهای مؤثر بر سازش یافتگی دانش‌آموزان، سبک‌های مقابله‌ای پدران است. به‌طور کلی، راهبردهای مقابله‌ای روش‌هایی هستند که واکنش‌های یک فرد را در موقعیت تنیدگی‌زا مشخص می‌کند (۱۷). لازاروس و فولکمن دریافته‌اند که راهبردهای مقابله‌ای فعال، هم موفقیت تحصیلی و هم سازش یافتگی شخصی و هیجانی را پیش‌بینی می‌کنند. علاوه‌براین، بر اساس بررسی شاکری و همکاران (۱۸) بین دو گروه بیمار و سالم از لحاظ راهبردهای مقابله‌ای تفاوت معناداری بود، ۳۴ درصد از زنان ناباور که بر اساس پرسش‌نامه سلامت عمومی به‌عنوان بیمار تشخیص داده شده بودند، پاسخ مقابله‌ای متمرکز بر هیجان داشتند و ۹۳ درصد افراد سالم، شیوه مقابله‌ای مسئله‌مدار داشتند. همچنین تأثیرات طولانی مدت راهبردهای سازش‌نا یافته و ازدست‌دادن کلی

اعتماد شخصی نسبت به توانایی‌ها برای مقابله، به مسائلی، چون ترس، اضطراب، بیماری‌های جسمانی، و افسردگی منجر می‌شود (۱۹).

طبق نظر لازاروس و فولکمن (۲۰) سبک‌های مقابله به دو دسته کلی مسئله‌مدار و هیجان‌مدار تقسیم می‌شود که افراد از هر دو نوع سبک مقابله در مواجهه با موقعیت‌ها استفاده می‌کنند. نوعی از مقابله که فشارهای هیجانی را تسکین می‌دهد، به‌عنوان هیجان‌مدار و آن نوع دیگر که در آن فرد تلاش می‌کند تا عوامل به وجود آورنده این فشارهای هیجانی را تغییر دهد، به‌عنوان مقابله مسئله‌مدار تعریف می‌شود (۲۰). در پژوهشی، داپ‌ورسکا و پیسولا (۲۱) نیمرخ روانی مادران و پدران کودکان پیش‌دبستانی مبتلا به اوتیسم و نشانگان داون و کودکان بهنجار و سبک‌های مقابله‌ای والدین آنها را بررسی کردند. نتایج این پژوهش نشان داد والدین کودکان مبتلا به اوتیسم در مقابله با انحراف‌های اجتماعی متفاوت از والدین کودکان بهنجار هستند. مقابله هیجان‌مدار پیش‌بینی‌کننده والدین در نمونه‌های والدین کودکان مبتلا به اوتیسم و نشانگان داون بود. مقابله مسئله‌مدار پیش‌بینی‌کننده والدین کودکان بهنجار بود (۲۱).

از این رو، پژوهش حاضر به کمک پرسش‌نامه‌های سبک‌های مقابله‌ای، سازش یافتگی اجتماعی و پرسش‌نامه شوخ طبعی به بررسی رابطه شوخ طبعی و سبک‌های مقابله‌ای پدران با سازش یافتگی دانش‌آموزان مقطع ابتدایی می‌پردازد.

روش

الف) طرح پژوهش و شرکت کنندگان: پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی است که در آن رابطه بین شوخ طبعی و سبک‌های مقابله‌ای پدران با سازش یافتگی دانش‌آموزان مورد بررسی قرار گرفت. جامعه آماری، شامل دو گروه به شرح زیر است: تمامی دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهر گالیکش که در سال تحصیلی ۹۶-۹۵ مشغول به تحصیل بودند و تمامی پدران دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهر گالیکش

اجرای مقیاس بیلینگر و موس و پرسش نامه سبک های مقابله با اندلر و پارکر، ضریب همبستگی $0/62$ برای خرده مقیاس مسئله مدار $0/40$ را نشان داد (۲۴). همچنین سلامت (۲۵)، جعفرنژاد و همکاران (۲۶)، شکری و همکاران (۲۳) و قریشی راد (۲۴) اعتبار این آزمون را با روش آلفای کرونباخ در خرده مقیاس مسئله مدار از $0/64$ تا $0/86$ ، در مقیاس هیجان مدار از $0/60$ تا $0/83$ ، و در مقیاس اجتنابی از $0/61$ تا $0/79$ گزارش کرده اند.

۲. پرسش نامه سازش یافتگی اجتماعی^۱: این پرسش نامه در سال ۱۹۹۹ توسط پی کل و ویسمن طراحی شده است و مقیاسی پنج گزینه ای است که ۵۴ گویه دارد. ۵ خرده مقیاس آن عبارت اند از: ۱. حوزه کاری، ۲. فعالیت های اجتماعی، اوقات فراغت، ۳. روابط خانواده گسترده، ۴. نقش های همسری، و ۵. نقش های والدی (۲۷). برای نمره گذاری این پرسش نامه، مدل ساده لیکرت که برای هر گزینه نمره ای از ۰ تا ۳ در نظر گرفته، استفاده شد. در تمامی روش های نمره گذاری تدوین شده این پرسش نامه نمره پایین دال بر سلامتی روانی و سازش یافتگی بالا و نمره بالا حاکی از اختلال و سازش نایافتگی است. برای به دست آوردن نمره کل آزمون همه سؤالات با هم جمع شده و بر تعداد سؤالاتی که آزمودنی به آنها پاسخ داده است تقسیم می شود. نمره بالای کلی حاکی از آن است که آزمودنی از سازش یافتگی اجتماعی نامطلوبی برخوردار است (۲۸). این پرسش نامه دارای روایی محتوایی و همزمان $0/87$ است. همچنین در پژوهش جوادی و حسین زاده (۲۷) همسانی درونی پرسش نامه توسط آلفای کرونباخ $0/79$ محاسبه گردید (۲۷).

۳. مقیاس حس شوخ طبعی^۲: این مقیاس شامل ۷ سؤال است که به وسیله مارتین و لفقورت در سال ۱۹۸۳ معرفی شد. پاسخ های ارائه شده به هر یک از سؤالات پرسش نامه با زدن علامت ضربدر توسط آزمودنی ها در یک مقیاس ۵ درجه ای از کاملاً مخالف (نمره ۰) تا کاملاً موافق (نمره ۴) ثبت می شود.

که در سال تحصیلی ۹۶-۹۵ مشغول به تحصیل بودند که بر اساس اطلاعات حاصل از سازمان آموزش و پرورش تعداد کل این دانش آموزان در این مقطع ۳۵۰۰ نفر (۱۷۰۸ دانش آموز پسر و ۱۷۹۲ دانش آموز دختر) بود. در این پژوهش نمونه مورد نظر نیز با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای انتخاب گردید. به این صورت که با توجه به وجود دو طبقه دختر و پسر، ابتدا تعداد هر یک از دو جنس تعیین و سپس بر اساس تعداد جامعه آماری سهم هر یک در نمونه مورد نظر برآورد گردید. همچنین به جهت تعیین حجم نمونه بر اساس جدول مورگان، ۲۵۰ دانش آموز (۱۲۲ پسر و ۱۲۸ دختر) انتخاب گردید.

ب) ابزار

۱. پرسش نامه سبک های مقابله با تنیدگی^۱: اندلر و پارکر (۲۲) این پرسش نامه را با هدف ارزیابی انواع سبک های مقابله ای افراد در موقعیت های تنش زا به سه صورت سبک های مقابله ای مسئله مدار، هیجان مدار و اجتنابی طراحی کرده اند. این آزمون شامل ۴۸ سؤال است که هر ۱۶ سؤال به یکی از ابعاد مقابله مربوط است و پاسخ به هر سؤال بر اساس یک مقیاس ۵ درجه ای لیکرت از هرگز (۱) تا خیلی زیاد (۵) مشخص می شود. سبک غالب هر فرد با توجه به نمره وی در هر یک از ابعاد سه گانه سبک های مقابله تعیین می شود. به عبارت دیگر، هر کدام از رفتارها که در مقیاس نمره بیشتری کسب کنند، آن رفتار به عنوان سبک مقابله ای ترجیحی فرد در نظر گرفته می شود (۲۳).

اندلر و پارکر (۲۲) ضریب همسانی درونی کل مقیاس را $0/92$ گزارش کرده اند. همچنین این ضریب برای سبک مقابله مسئله مدار برای پسران و دختران به ترتیب $0/90$ و $0/92$ ، برای سبک مقابله هیجان مدار به ترتیب $0/85$ و $0/82$ ، برای سبک مقابله اجتنابی به ترتیب $0/82$ و $0/85$ گزارش شده است (۲۲). نتایج تحلیل روایی همزمان در پژوهش قریشی راد (۲۴) از

3. Sense of humor (wit) scale

1. Coping inventory for stressful situation
2. Social adjustment scale

آزمون شادکامی آکسفورد همبسته شد که ضریب $0/30$ در سطح معناداری $0/05$ p به دست آمد (۳۱).

ج) روش اجرا: بعد از بیان اهداف پژوهش و با رعایت ملاحظات اخلاقی، رضایت آزمودنی‌ها جهت شرکت در این پژوهش به طور کامل جلب شد. سپس پرسش‌نامه‌های سبک‌های مقابله‌ای اندلر و پارکر، مقیاس شوخ طبعی بر روی پدران و پرسش‌نامه سازش یافتگی اجتماعی پی‌کل و ویسمن بر روی فرزندان آن‌ها اجرا شد.

پس از اجرا و جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری رایانه‌ای SPSS20 و با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون صورت گرفت.

یافته‌ها

آمار توصیفی و نتایج حاصل از تحلیل همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون در جداول زیر ارائه شده است.

جدول ۱: آماره‌های توصیفی (میانگین، انحراف استاندارد، کشیدگی و چولگی) متغیرهای مورد مطالعه

متغیرها	مؤلفه‌ها	میانگین	انحراف معیار	کشیدگی	چولگی
سبک‌های مقابله	مقابله هیجان‌مدار	۲۴/۳۷	۱۱/۸۴	۰/۷۸۴	۰/۱۴۶
	مقابله مسئله‌مدار	۲۴/۰۰	۱۲/۶۴	۱/۰۸	۰/۳۰۱
	مقابله اجتنابی	۳۹/۷۵	۱۳/۷۷	۰/۹۹۴	۰/۱۰۹
سازش یافتگی		۷۴/۶۶	۲۵/۹۵	۰/۶۵۳	۰/۵۷۶
شوخی طبعی		۱۷/۴۴	۲/۶۸	۱/۱۰۱	۰/۱۰۸

همان‌گونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، در متغیر سبک‌های مقابله، مؤلفه مقابله اجتنابی بیشترین میانگین و انحراف معیار را دارد و همچنین، می‌توان گفت، متغیر سازش یافتگی بیشترین میانگین و انحراف معیار را دارا است. مقدار چولگی مشاهده‌شده برای متغیر در بازه (۲، -۲) قرار

نمره گذاری سؤال ۱ و ۴ پرسش‌نامه در جهت مخالف سؤالات دیگر است (۲۹). این آزمون توسط گلستانه و جاپروند (۱۳۸۰) بر روی صد نفر از دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز اعتباریابی شد که نتایج به دست آمده کاملاً رضایت‌بخش بود. این پژوهشگران با استفاده از روش بازآزمایی، اعتبار این آزمون را مورد بررسی قرار دادند که ضریب اعتبار به دست آمده برابر با $0/64$ بود که از نظر روان‌سنجی در حد قابل قبول است. در پژوهش نادری و شکوهی (۳۰) برای تعیین روایی این پرسش‌نامه، نمره کل این آزمون با نمره آزمون امیدواری میلر همبسته شد که ضریب $0/30$ در سطح معنی‌داری $0/05$ p به دست آمد. اعتبار این پرسش‌نامه به روش آلفای کرونباخ محاسبه شد که ضریب $0/21$ به دست آمد (۳۰). همچنین در پژوهش نادری و همکاران (۳۱) برای تعیین روایی این پرسش‌نامه، نمره کل این آزمون با نمره

همان‌گونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، در متغیر سبک‌های مقابله، مؤلفه مقابله اجتنابی بیشترین میانگین و انحراف معیار را دارد و همچنین، می‌توان گفت، متغیر سازش یافتگی بیشترین میانگین و انحراف معیار را دارا است. مقدار چولگی مشاهده‌شده برای متغیر در بازه (۲، -۲) قرار

جدول ۲: ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرها

متغیرها	شوخی طبیعی	مقابله هیجان مدار	مقابله مسئله مدار	مقابله اجتنابی	سازش یافتگی
شوخی طبیعی	۱				
مقابله هیجان مدار	-۰/۴۰ ^{۰۰}	۱			
مقابله مسئله مدار	۰/۳۱ ^{۰۰}	۰/۲۰ ^{۰۰}	۱		
مقابله اجتنابی	-۰/۲۹ ^{۰۰}	۰/۲۰ ^{۰۰}	۰/۱۱ ^{۰۰}	۱	
سازش یافتگی	۰/۴۳ ^{۰۰}	-۰/۳۲ ^{۰۰}	۰/۲۰ ^{۰۰}	-۰/۴۷ ^{۰۰}	۱

با توجه به جدول ۲ بین شوخی طبیعی و سازش یافتگی در دانش آموزان رابطه مستقیم ($p < ۰/۰۵$) وجود دارد. به این معنی که با افزایش شوخی طبیعی پدران، سازش یافتگی دانش آموزان افزایش پیدا می کند. همچنین با توجه به نتایج جدول ۱، میان دو خرده مقیاس سبک های مقابله ای هیجان مدار

و اجتنابی با سازش یافتگی در دانش آموزان رابطه معکوس ($p < ۰/۰۵$) وجود دارد، به این معنا که با افزایش هر یک از آنها، سازش یافتگی در دانش آموزان کاهش می یابد. همچنین در خرده مقیاس سبک مقابله ای مسئله مدار و سازش یافتگی دانش آموزان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

جدول ۳: نتایج آزمون رگرسیون چندگانه گام به گام جهت پیش بینی متغیر سازش یافتگی

مدل	R	مجدور R	R تعدیل شده
۱	۰/۴۳	۰/۱۸	۰/۱۲۵
۲	۰/۶۰	۰/۳۶	۰/۳۰۹

چنانچه در جدول ۳ می توان دید، در مدل ۱ شوخی طبیعی وارد مدل شده است. این متغیر ۰/۱۸ از تغییرات سازش یافتگی دانش آموزان را پیش بینی می کند.

همچنین در مدل ۲، مؤلفه های سبک های مقابله ای با به طور همزمان وارد شده اند. این مؤلفه ها ۰/۳۶ از تغییرات سازش یافتگی را پیش بینی می کنند.

جدول ۴: خلاصه نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه سازش یافتگی دانش آموزان با توجه به شوخی طبیعی و سبک های مقابله ای والدین

مدل	متغیر	SS	Df	MS	F	P
رگرسیون		۶/۶۲	۱	۶/۶۲		
باقیمانده	شوخی طبیعی	۹/۳۲	۲۴۹	۰/۴۵	۱۴۷/۸۱	۰/۰۰۰
کل		۱۵/۹۵	۲۵۰	-		
رگرسیون		۶/۷۵	۱	۶/۷۵		
باقیمانده	سبک مقابله ای	۱۴/۸۶	۲۴۹	۰/۰۷	۹۴/۵۱	۰/۰۰۰
کل		۲۱/۶۲	۲۵۰	-		

با توجه به مقادیر مندرج در جدول ۴، نسبت F محاسبه شده در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است؛ بنابراین می توان نتیجه گرفت که بین شوخی طبیعی با سازش یافتگی رابطه معناداری وجود دارد و مدل ۱ معنادار است. به عبارت دیگر

متغیرهای مستقل به خوبی تغییرات وابسته را پیش بینی نموده است. همچنین می توان نتیجه گرفت سبک های مقابله ای با سازش یافتگی در دانش آموزان رابطه معناداری دارد و مدل ۲ نیز معنادار است.

جدول ۵: ضرایب رگرسیون پیش‌بینی سازش یافتگی دانش‌آموزان با توجه به شوخ طبعی پدر و سبک‌های مقابله‌ای

مدل	B	انحراف استاندارد	بتا	T	سطح معناداری
مقدار ثابت	۱/۳۴	۰/۲۱	-	۶/۳۰	۰/۰۰۰
شوخ طبعی	۰/۶۷	۰/۵۵	۰/۴۳	۱۲/۱۵	۰/۰۰۰
مقدار ثابت	۱/۱۹	۰/۲۶	-	۴/۴۲۱	۰/۰۰۰
مسئله‌مدار	۰/۶۷	۰/۰۷	۰/۳۱	۹/۷۲	۰/۰۰۰
هیجان‌مدار	-۰/۳۳	۰/۰۲	-۰/۱۱	۲/۰۷	۰/۰۰۱
اجتنابی	-۰/۴۰	۰/۰۱	-۰/۲۲	۳/۴۴	۰/۰۰۰

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که بین شوخ طبعی و سبک‌های مقابله‌ای پدر با سازش یافتگی دانش‌آموزان مقطع ابتدایی رابطه معنادار وجود دارد. همچنین، متغیر سبک‌های مقابله‌ای هیجان‌مدار، مسئله‌مدار، و اجتنابی با سازش یافتگی دانش‌آموزان مرتبط است. بر اساس این نتایج، شوخ طبعی و سبک‌های مقابله‌ای پدران عامل پیش‌بین خوبی برای سازش یافتگی دانش‌آموزان است.

در این خصوص، نتایج یافته‌های پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌های مکی کولینسر (۳۲)، واکر (۳۳)، کیانگ (۳۴)، پتاسک و همکاران (۳۵)، لطیفی (۳۶)، دولت‌آبادی (۳۷)، هاشمی نصرت‌آباد (۳۸)، عطایی (۳۹)، یغمایی (۴۰)، ملتفت و خیر (۴۱) همسو است. چندین مطالعه بر رابطه معنادار مشارکت و درگیری پدر با پیامدهای مثبت روان‌شناختی، حتی پس از کنترل نقش مادر، صحه گذاشتند. به‌عنوان مثال، فلوری و باچانان (۴۲) نشان دادند که صمیمیت کم میان پدران و دختران آنها موجب افسردگی دختران می‌شود. همچنین موریس و همکاران (۴۳) در پژوهش خود نشان دادند که سطوح پایین اعتماد و ارتباط والدین با نشانه‌های افسردگی و اضطراب رابطه دارد.

درواقع می‌توان گفت، یکی از مهارت‌هایی که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم با ویژگی سازش یافتگی اجتماعی مرتبط است دارا بودن حس شوخ طبعی است. شوخ طبعی می‌تواند یک مهارت مقابله‌ای مهم در برابر مشکلات زندگی باشد (۲۴). در این رابطه روان‌شناسان بر نقش شوخ طبعی در سازش یافتگی، مقابله با عوامل تنش‌گر و رابطه آن با سلامت

ضرایب رگرسیون مربوط به همه متغیرهای پیش‌بین نشان می‌دهد که شوخ طبعی با ضریب بتای ۰/۴۳. و سه سبک مقابله‌ای هیجان‌مدار، مسئله‌مدار، و اجتنابی با ضریب بتای ۰/۱۱، ۰/۳۱، و ۰/۲۲- به ترتیب، نقش مثبت و منفی در سازش یافتگی دانش‌آموزان دارند.

به این معنا که با هر واحد افزایش در شوخ طبعی پدر به میزان ۰/۴۳ به سازش یافتگی افزوده و با هر واحد کاهش در شوخ طبعی می‌توان انتظار ۰/۴۳ کاهش در سازش یافتگی را شاهد باشیم. همچنین به ازای هر واحد کاهش یا افزایش در سبک مقابله‌ای هیجان‌مدار، مسئله‌مدار و اجتنابی، به میزان ۰/۱۱، ۰/۳۱ و ۰/۲۲- به ترتیب کاسته یا افزوده می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه معمولاً در پژوهش‌های مربوط به سازش یافتگی دانش‌آموزان همواره تأکید بر رابطه مادر- کودک بوده است و بررسی‌های بسیار کمی روی نقش پدران در این فرآیند صورت گرفته است، یکی از اهداف اصلی این پژوهش بررسی نقش شوخ طبعی پدران و سبک‌های مقابله‌ای آنها بر سازش یافتگی دانش‌آموزان بود. معمولاً به پدران در حاشیه زندگی کودکان نگاه شده و بنابراین فرض شده است که پدر اهمیت مستقیم اندکی در تحول کودک دارد. با وجود این، دلایل مختلفی وجود دارد که انتظار می‌رود پدران، به‌ویژه در خانواده‌های هسته‌ای امروز، در تحول و بروز پیامدهای روان‌شناختی فرزندان خود نقش مهمی داشته باشند.

روان تأکید کرده‌اند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند شوخ طبعی می‌تواند برای کمک به بیماران روانی مفید واقع شود، به گونه‌ای که آنها را کاهش و تعاملات اجتماعی آنها را افزایش و توانایی آنها را برای سازش یافتگی ارتقاء دهد (۲۵).

یافته‌های پژوهشی نظیر استیونسون (۴۴) نشان می‌دهد که هرچه مردم شوخ طبع تر باشند، صرف نظر از اینکه فشارهای زندگی کم، متوسط یا زیاد باشد، کمتر دچار اضطراب و افسردگی می‌شوند. شوخی به این دلیل کارساز است که به شخص امکان می‌دهد تا واقعیت را به گونه‌ای که از نظر اجتماعی پذیرفتنی و تا حدی معقول است تحریف کند.

از این رو شوخ طبعی به عنوان یک راهبرد مقابله‌ای می‌تواند با تغییر دادن موقعیت بیرونی و تحریف منطقی واقعیت راهی برای کنار زدن این اضطراب باشد، همان طور که برخی صاحب نظران همچون کانت، هابز، و اسپنسر شوخی را بهترین پادزهر برای نفرت، ترس، و اضطراب می‌دانند (۳۰). در پژوهشی دیگر، نیوندورف و همکاران (۱۱)، نوع پیام‌های شوخ طبعانه‌ای که میان پدران و پسران استفاده شده است را در هنگام تعارض مورد بررسی قرار دادند. در این پژوهش، تفاوت‌هایی در میان پیام‌های شوخ طبعانه مورد استفاده میان استفاده پدر و پسران دیده شد. همچنین پسرها در هنگام تعارض با احتمال بیشتری، از شوخی‌های سازش نایافته و تحریک برانگیز استفاده می‌کردند و پسرها به احتمال بیشتری، گزارش می‌کردند که پدرانشان از شوخی‌های برتری جویانه در تعارض‌ها استفاده می‌کنند. لوورن و همکاران (۱۶) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که پدر و مادرانی که به علائق، تحول اجتماعی، و موفقیت تحصیلی فرزندانشان علاقه داشتند، شوخ طبعانه‌تر با فرزندانشان برخورد می‌کردند.

در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت، محیطی گرم و صمیمی در خانواده و رابطه محبت آمیز همراه با شوخ طبعی بین والدین (به خصوص پدران) و فرزندان عاملی در جهت سازش یافتگی است. این رابطه، نقش مهمی در عملکرد

کودکان دارد و در واقع از راه ارتباط دوجانبه اولیه با والدین است که کودکان مطالبی درباره محیط اطراف خود و سازش یافتگی را فرامی‌گیرند. به طور خلاصه می‌توان گفت، شوخ طبعی، مانند هر ابزار ارتباطی دیگری یک محیط امن که ارتباط‌ها را تسهیل می‌کند و اعتماد را میان والدین و به خصوص پدران و فرزندان به وجود می‌آورد، فراهم می‌کند. همچنین نتایج حاصل از پژوهش حاضر نشان داد که بین سبک مقابله‌ای مسئله مدار با سازش یافتگی دانش آموزان مقطع ابتدایی رابطه مثبت معنادار و بین سازش یافتگی دانش آموزان با سبک مقابله‌ای هیجان مدار و سبک مقابله اجتنابی رابطه منفی و معنادار وجود دارد. در این خصوص نتیجه این پژوهش با نتایج پژوهش‌های مکی کولینسر (۳۲)، کیانگ (۳۴)، لطیفی (۳۶)، هاشمی نصرت آباد (۳۸)، و عطایی (۳۹) هم سو است.

در تبیین تأیید این فرضیه می‌توان گفت، طبق مطالعات لازاروس و فولکمن (به نقل از ۱۰) بالاتر بودن استفاده از راهبرد هیجان مداری با بالاتر بودن اضطراب، آسیب جسمانی، و افسردگی مطابقت می‌کند. همچنین بیان می‌کنند که راهبردهای مقابله‌ای عامل میانجی بین تنیدگی و اختلال جسمی یا روانی هستند. در واقع می‌توان گفت، یکی از مواردی که در تعیین سلامت یا بیماری انسان، مهم ترین نقش و جایگاه را دارد، است که با زندگی بشر امروز عجین شده است. پژوهشگران مختلف به شناسایی و معرفی منابع متعدد اقدام کرده‌اند. عوامل تنش‌زا می‌توانند بیرونی یا درونی باشند؛ اما آنچه در این بین می‌تواند مایه خوش بینی و امیدواری باشد، شیوه‌های مقابله با تنیدگی است که به عنوان متغیری میانجی، می‌تواند پیامدهای تنیدگی را تحت تأثیر قرار دهد.

طبق مدل فولکمن و لازاروس (به نقل از ۱۰) در فرآیند مقابله مهارت‌های شناختی برای حل مسئله مورد استفاده قرار می‌گیرند. فرد با به کار بستن سبک مقابله کارآمد مسئله مدار از مهارت‌های شناختی برای حل مسئله استفاده می‌کند. بر این اساس راه‌های مقابله با مشکل مستقیماً بررسی می‌شوند و معمولاً با یافتن راه‌حل‌های مناسب برای مشکل رضایت

روان‌شناختی حاصل می‌شود. از سوی دیگر این وضعیت باعث نظم و انسجام فکری می‌شود و آشفتگی هیجانی را کاهش می‌دهد.

در سایه انسجام فکری و آرامش هیجانی به دست آمده منبع تنیدگی نیز بهتر شناسایی می‌گردد و ممکن است قابل مهار ارزیابی شود. شناخت منبع مهارگری از یک سو و قابل مهار ارزیابی کردن آن از سوی دیگر به افزایش سلامت روانی کمک می‌کند. همچنین شناخت منبع تنیدگی از طریق افزایش اعتماد به خود، اضطراب و آشفتگی را کاهش می‌دهد و باعث بهبود وضعیت سلامت روانی می‌شود (۴۵). برعکس استفاده از راهبرد هیجان‌مدار، فرد را از درگیری مستقیم و موثر با مشکل باز می‌دارد و توانمندی او برای حل مشکل را کاهش می‌دهد. این وضعیت باعث اختلال در انسجام فکری و آشفتگی هیجانی می‌شود و سلامت روانی را کاهش می‌دهد. آشفتگی فکری و هیجانی امکان شناخت صحیح منبع را نیز تحلیل می‌برد و سلامت روانی را به صورت منفی تحت تأثیر قرار می‌دهد (۴۶).

از آنجایی که راهبردهای مقابله، مجموعه مهارت‌هایی هستند که تحت تأثیر آموزش و تجربه آموخته می‌شوند و نسبتاً قابل تغییرند، آموزش، تربیت و نظارت مستمر والدین و مربیان، استفاده از ابزارهای کمک آموزشی مدرن و فراهم‌سازی زمینه‌های لازم برای تجربه و به‌کارگیری راهبردهای مقابله در موقعیت‌های مختلف آزمایشی و واقعی زندگی از مهم‌ترین راهکارهای تأثیرگذاری بر شکل‌گیری راهبردهای مقابله در مراحل تحول محسوب می‌شوند. همچنین آموزش مهارت‌های مؤثر حل مسئله، تمرین‌های تقویت اعتمادسازی و راهکارهای مؤثر مقابله از جمله اقدامات لازم برای ایجاد و تقویت راهبردهای درست مقابله با تنیدگی است.

راهبردهای حل مسئله با تعدیل یا حذف عوامل تنش‌زا، اثرات سودمندی بر هیجان‌ها دارند (۴۷). استفاده از سبک مقابله هیجان‌محور، فرد را از درگیری مستقیم و مؤثر با

موقعیت تنش‌زا باز می‌دارد و توانمندی او را برای حل مشکل کاهش می‌دهد (۴۸).

در تبیین این یافته باید گفت، وقتی پدران از راهبردهای مقابله‌ای منفی برای حل تعارض در رابطه با کودک خود استفاده می‌کنند، ممکن است این باور را در فرزندشان پیروانند که در رابطه با همسالان هم باید از این راهبردهای منفی استفاده کنند. با توجه به نتایج پژوهش و تأثیر بسیار زیاد نحوه برخورد والدین با کودکان، پیشنهاد می‌شود جلساتی با والدین و به‌خصوص پدران در مدارس یا مراکز مشاوره، برای آگاهی والدین از شیوه‌های والدگری و نوع درست برخورد با فرزندان و استفاده از شوخی‌ها در روابط والد-فرزند و آموزش آنها در زمینه حل تعارضات و شیوه‌های مقابله با تنیدگی‌ها، ارتباط مؤثر و کمک به سازش یافتگی بهتر برگزار شود.

این پژوهش با محدودیت‌های نیز همراه بود، از جمله می‌توان به عدم کنترل متغیرهایی مانند ویژگی‌های شخصیتی دانش‌آموزان و پدران، و عدم کنترل متغیرهای مربوط به ساختار خانوادگی، فرهنگی و اجتماعی اشاره کرد. انجام پژوهش‌های بیشتر با حجم نمونه بالاتر و با پوشش دادن نقاط ضعف این مطالعه، می‌تواند راهگشا باشد. همچنین پیشنهاد می‌شود نقش شوخ طبعی و سبک‌های مقابله‌ای مادران نیز بر سازش یافتگی فرزندان مورد مطالعه قرار گیرد.

تشکر و قدردانی: مؤلفان مقاله از همه پدران و دانش‌آموزان به خاطر مشارکت و همکاری‌شان در این پژوهش و از مسئولان آموزش و پرورش شهرستان گالیکش و مسئولان مدرسه که زمینه مشارکت پدران و اجرای این مطالعه را فراهم کردند، سپاسگزاری می‌نمایند.

تضاد منافع: بدین وسیله اعلام می‌شود که این مطالعه هیچ گونه تضاد منافی را برای نویسندگان به دنبال نداشته است.

References

1. KhodayariFard M, RahimiNezhad A, Abedini Y. Investigating the factors affecting social adjustment of martyred and non- martyred Students. *Journal of Social Sciences and Humanities University of Shiraz*. 2007; 26 (3): 26- 42. [Persian].
2. Navabakhsh M, Fathi S. Parenting styles and social adaptation of children. *Religious Studies*. 2011; 22: 33-64. [Persian].
3. Slaby T, Gaura T. Self ° efficacy and personal goal setting. *American Education Research Journal*. 2003; 29: 663-669.
4. Iwata JN, Noboru K, Higuchi M, Hiana RJ. Response of Japanese and American students to the anxiety and social skills question air. *J Pers Assess*. 2000; 74(1): 48-62.
5. Najarian B. Temperament psychologically. *Journal of Human Sciences, University of Al-Zahra*. 2012; 11& 12. [Persian].
6. Williams SK, Kelly FD. Relationships among involvement, attachment, and behavioral problems in adolescence: examining father s influence. *The Journal of Early Adolescence*. 2005; 25: 168-196.
7. Pleck JH, Stueve JL. Time and paternal involvement. *Minding the time in family experience: Emerging perspectives and issues*. Stamford: JAI Press., 2001: 205-226.
8. Freud S. Humour. *International Journal of Psychoanalysis*. 1928; 9: 1-6.
9. Oghdayi T. Territory humor. *Journal of Farsi Language and Literature*. 2009; 1: 27- 54. [Persian].
10. Rogers CR. *A way of being*. Boston: Houghton Mifflin., 1980.
11. Neuendorf KA, Rudd JE, Palisin P, Pask, EB. Humorous communication, verbal aggressiveness, and father-son relational satisfaction. *Humor*. 2015; 28 (3): 397-425.
12. Ziv A. *Personality and sense of humor*. New York: Springer Pub Co., 1984.
13. Franzini LR. Humor in therapy: the case for training therapists in its use and risks. *Journal of General Psychology*. 2001; 128 (2): 170° 93.
14. Booth-Butterfield M, Booth-Butterfield S, Wanzer M. Funny students cope better: Patterns of humor enactment and coping effectiveness. *Communication Quarterly*. 2007; 55: 299° 315.
15. Dziegielewski SF. Humor: An essential communication tool in therapy. *International Journal of Mental Health*. 2003; 32 (3): 74-90.
16. Lovorn MG. Humor in the home and in the classroom: The benefits of laughing while we learn. *Journal of Education and Human Development*. 2008; 2(1). 2-12.
17. Smith CL, Eisenberg N, Spinrad TL, Chassin L, Morris AS, Kupfer A, Liew J, Cumberland A, Valientec, Kwok OM. Children s coping strategies and coping efficacy: Relations to parent socialization, child adjustment, and familial alcoholism. *Development and Psychopathology*. 2006; 18(02): 445-469.
18. Shakeri J, Hoseini M, Golshani S, Sadeghi Kh, Fezollahi V. Assessment of general health, coping and marital satisfaction in infertile women undergoing treatment IVF. *Journal of Reproduction and Infertility*. 2006; 7 (3): 269-275. [Persian].
19. Aghayousefi AR , Dadsetan P , Ejei J, Mahmoud, M. The role of personality factors and the effect of the coping strategies and coping therapy on personality factors and depression. *Journal of Psychology*. 2014; 4(16): 347-370. [Persian].
20. Lazarus RS, Folkman S. *Stress, appraisal and coping*. New York: Springe., 1984, pp: 127-139.
21. Dabrowska A, Pisula E. Parenting stress and coping styles in mothers and fathers of pre-school children with autism and Down syndrome. *Journal of Intellectual Disability Research*. 2010; 54(3): 266-28.
22. Endler NS, Parker JDA. State- trait coping, trait anxiety and academic performance, *Personality Individual Difference*. 1994; 16 (5): 663 ° 676.
23. Shokri O, Taghiloo S, Garavand F, Paezi M, Molaee M, Azad-abdollahpoor M, Akbari H. Factor structure and psychometric properties of the Persian version of the questionnaire coping with stressful situations. *Cognitive Science News*. 2009; 10 (3): 22-33. [Persian].
24. GhoreyshiRad F. Validation of Endler & Parker coping scale of stressful situations. *Journal of Behavioral Sciences*. 2010; 4 (1): 1-7. [Persian].

25. Salamat M, Zamani AR, Alahyari T. The effect of teaching communication skills on marital conflict by transactional analysis. *Applied Psychology*. 2007; 1 (3): 29-42. [Persian].
26. JafarNejad P, Farzad V, Moradi A, Shokri O. Investigating the relationship between the five major factors of personality, coping styles and mental health in undergraduate students. *Journal of Psychology and Educational*. 2005; 35 (1): 51-74. [Persian].
27. Javadi F, HoseinZade D. The effect of life skills training on social adjustment, resilience and general health of addicted families in Tehran. *Quarterly of Information, Education, Research*. 2016; 10 (37 & 38): 9-14. [Persian].
28. Shabaninya A, Bazeli F, Ataee A, Ehteshamzadeh P. Comparison between family emotional climate and social adjustment of men and women married, divorce and on the verge of divorce in Ramshir city: Annual conference on new approaches to research, December, Tehran. 2015; 1-11. [Persian].
29. Shirinzadeh A, Shirinzadeh, Y. Examining the effectiveness of sense of humor on mental health in students of tehran. *International Journal of Humanities and Cultural Studies*. 2016; 701-713.
30. Naderi F, Shokouhi M. Relationship optimism, humor and social maturity and death anxiety in nurses Golestan hospital Ahvaz. *New Findings in Psychology*. 2009; 4 (10): 85-94. [Persian].
31. Naderi F, Bakhtiyarpour S, Shokouhi M. Comparison of death anxiety, optimism and humor in female nurses. *Women and Culture*. 2010; 1(3): 41-50. [Persian].
32. Mcikulincer M. Attachment style, with adjustment strategies and posttraumatic Psychological distress: The impact of the gulf war in Israel. *J Pers Soc Psychol*. 2014; 64(5): 225 - 230.
33. Walker EA. Humor and comparing coping styles with adjustment. *American J Psychiatry*. 2015; 149 (4): 68-77.
34. Qiang G. Experimental stress and comparing coping styles with adjustment function. *J Psychosomatic Research*. 2013; 40 (6): 569-583.
35. Petask CD, Keyes CL. The structure of psychological well-being revisited and adjustment. *J Perso and Soci Psych*. 2012; 69: 719° 727.
36. Latifi R. Determine the relationship between coping and mental health of high school students in the academic year 89-1390 Orumiyeh, *Journal of New Thoughts on Education*. (2011); 3: 79-104. [Persian].
37. Doladabadi M. School of parenting investigate the relationship between mental health and academic achievement in first grade male students in Tehran and Golestan Park area, *Journal of Education*. (2012); 98: 9-36. [Persian].
38. Hashemi nosrat abad kh. The role of coping styles in psychological well-being of high school students in Shiraz, *Journal of Educational Innovations*. 2013; 4: 9-48. [Persian].
39. Ataee, N. The Relationship between coping styles and parenting styles of parents with children Adaptations, , *Journal of New Thoughts on Education*. 2009; 2: 5-60. [Persian].
40. Yaghmaee F. Relationship humor with psychological wellbeing and coping styles in students, *Journal of Education*. 2016; 92: 54-78. [Persian].
41. Moltafet Kh, Khayyer S, Prediction of psychological well-being of students based on perceptions of parents with motivational mediation. *Journal of Psychology and Education*. 2012; 4(1): 137-157. [Persian].
42. Flouri E, Buchanan A. Father involvement in childhood and trouble with the police in adolescence: 43 from the 1958 British birth cohort. *Journal of Interpersonal Violence*. 2000; 17: 689-701.
43. Muris P, Meesters C, Merckelbach H, H'ulsenbeck P. Worry in children is related to perceived parental rearing and attachment. *Behaviour Research and Therapy*. 2000; 38: 487-497.
44. Stevenson RG. We laugh to Keep from crying: coping through humor. *Loss, Grief and Care*. 1993; 7 (1-2):173-179.
45. Latifian M, Shekholeslami R. The Relationship between life satisfaction and general health and its components in the Science Faculty: Education and psychology, Shiraz University, Second seminar on mental health, mental health is the second seminar, March, Tehran, tarbiat Modarres university. 2004; 76-80. [Persian].
46. Mohammadi F, Sahebi A. Styles problem in depressed patients compared with normal subjects, *Psychological Sciences*. 2001; 1 (1&2), 24-42. [Persian].
47. Aldao A, Nolen-Hoeksema S, Schweizer S. Emotion-regulation strategies across psychopathology: A meta-analytic review. *Clin Psychol Rev*. 2010; 30: 217° 37.

48. Sepehrian Azar F, Asadi Majreh S, Asadnia S, Farnoodi L. The relationship between attachment and coping styles with emotion dysregulation in adolescence. The Journal of Urmia University of Medical Sciences. 2014; 25 (10): 922-930. [Persian].



The Relationship between Father Humor and Coping Styles with the Level of Children Adaptation

Robabe Ghorbani¹, Ali Hosseinaei^{*2}, Behnoush Elahi³

1. M.A. in Personality Psychology, Islamic Azad University, Azadshahr Branch, Azadshahr, Iran

2. Assistant Professor, Department of Psychology and Educational Psychology, Islamic Azad University, Azadshahr Branch, Azadshahr, Iran

3. M.A. in Child Clinical Psychology, University of Kharazmi, Tehran Branch, Tehran, Iran

Received: January 23, 2017

Accepted: May 05, 2017

Abstract

Background and Purpose: The warm and emotional relationship between parents with children and the management of tension in the family can play an important role in children's reconciliation. The purpose of this study was to investigate the relationship between father's humor and coping styles with adaptation of students.

Method: The present study was a descriptive-correlational study. Statistical population of this study consisted of all elementary students have been studying in Galikesh city in the academic year of 2016 -2017. The sample consisted of 250 students (122 boys and 128 girls) selected by sampling method. The participants responded to coping inventory for stressful situation (Endler & Parker, 1990), social adjustment scale (Paykel and Weissman, 1999) and sense of humor scale (Martin & Lecfort, 1983). The data were analyzed by correlation coefficient and multiple regression analysis.

Results: The results showed that there is a significant positive correlation between father humor with students' adjustment. Also, there is a positive correlation between problem-oriented coping style with adaptation of children, and avoidant and emotional coping styles with adaptation have a significant negative relationship ($P < 0/05$). There is also a significant positive correlation between problem-oriented coping style with humor, and a significant negative correlation between humor with avoidant coping styles.

Conclusion: According to the findings of this study, it can be concluded that increasing the level of humor and problem-solving styles in fathers leads to improvement of children's

Keywords: Humor, adjustment, coping styles

Citation: Ghorbani M, Hosseinaei A, Elahi B. The relationship between father humor and coping styles with the level of children adaptation. Quarterly Journal of Child Mental Health. 2017; 4(2): 92-103.

***Corresponding author:** Ali Hosseinaei, Assistant Professor, Department of Psychology and Educational Psychology, Islamic Azad University, Azadshahr Branch, Azadshahr, Iran.

Email: A.Hosseinaei@gmail.com Tel: (+98) 017 - 34229859